

۷ شهرالمسائل ۱۷۱

۲۷ آذر ۱۳۹۳

عاشقان جمال اقدس ابهی در کشور مقدس ایران ملاحظه فرمایند

امیدواریم که تا کنون به مطالعه پیام مورخ اول اوت ۲۰۱۴ این جمع خطاب به ستاینندگان اسم اعظم در سراسر عالم که حاوی پیشرفت پروژه‌های بنای هشت مشرق‌الذکار در نقاط مختلف جهان بود موفق گشته‌اید. تأسیس هر یک از این مطالع ذکر سبحانی به راستی نشانه‌ای از اعلاى کلمة الله و نفوذ بیش از پیش امر حضرت پروردگار در جوامع بشری است. بهائیان مهد امر الله، آن پیروان باوفای دلبر آفاق، البته با مفهوم مشرق‌الذکار آشنایی کامل دارند چه که بعد از نزول این حکم محکم الهی به زودی به اهمیت آن پی بردند و با وجود محدودیت‌های فراوان، در حد امکان به اجرای آن قیام نمودند. آن عزیزان نه تنها پشتیبان اصلی تأسیس مشرق‌الذکار عشق‌آباد بودند بلکه در داخل ایران نیز تشکیل جلسات دعای سحرگاهی را گسترش دادند و انگیزه خدمت به نوع بشر را تحکیم نمودند با این امید که در میقات معین بذرافشاندن شکوفا گشته اثراتش منجر به بنای این مراکز انوار هدایت و موجب تأسیس ملحقات عام المنفعه و خدمات انسان‌دوستانه‌ای گردد که طبعاً باید منبعث از عبادت حقیقی باشد.

بر این منوال و در ظل هدایات مولای توانا حضرت عبدالبهاء الگوی عبادت جمعی توأم با روح الفت و اتحاد ناشی از آن و شوق و انجذابی که برای خدمت به نوع بشر برمی‌انگیزد در بسیاری از جوامع محلی جزء لاینفکی از حیات بهائی شد و به تدریج تمهیداتی فراهم آمد تا منظور حضرت مولی الوری در باره مفهوم مشرق‌الذکار و تأسیس آن به صورتی ابتدایی در تحت شرایط متنوع طبق این بیان مبارک شکل گیرد که می‌فرمایند: "اما مشرق‌الذکار بسیار مهم است ... هر نوع که باشد ولو حفره‌ئی در زیر زمین باشد آن حفره جنة المأوی گردد و حدیقه علیا شود و روضه رضوان گردد محلّ انشراح ارواح شود و مرکز انجذاب قلوب به ملکوت ابهی." پس بر طبق تجربیات شما عزیزان، به راستی طیفی وسیع از امکانات مختلف را می‌توان برای اجرای این حکم الهی و تکامل آن در هر محل و مکان تصور نمود.

واژه مشرق‌الذکار در آثار بهائی برای توصیف مفاهیم مختلفی به کار رفته است از قبیل گردهمایی برای دعا و مناجات در سحرگاهان، ساختمان‌ی که در آن آیات الهی با لحن خوش تلاوت می‌گردد، مؤسسه کامل مشرق‌الذکار با ملحقات آن، و بنیان مرکزی آن مؤسسه که غالباً عبادت‌گاه یا معبد خوانده می‌شود.

همه این تعبیرگونگون را می توان مراحل یا جوانب اجرای تدریجی حکمی دانست که حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس نازل فرموده اند.

مشرق الأذکار مفهومی منحصر به فرد در تاریخ ادیان و نمادی از روح تعالیم اساسی الهی در این دور یزدانی است و به حق می توان آن را بنیانی عمومی برای حصول الفت قلوب و اجتماع نفوس دانست، مکانی برای نیایش و عبادت پروردگار که ابواب آن به روی همگان از هر دین و آیین، و هر قوم و ملت باز است و با تساوی کامل، زن و مرد، پیر و جوان و کودک را پذیراست؛ مأمنی است مناسب برای تأمل و تعمق در مفاهیم روحانی و تفکر در مسائل بنیادین زندگی مانند مسئولیت فردی و جمعی برای بهبود وضع اجتماع. نشان این یگانگی بی نظیر و اجتماع نفوس متنوع و کثیر حتی در نفس بنای مشرق الأذکار نیز جلوه گر است، بنایی که با جوانب و ابواب نه گانه اش نشانی از حس جامعیت و کاملیتی است که عدد نه نماد آن می باشد.

بنای مشرق الأذکار تجلی گاه قوای روحانی و کانون منظّمات و ملحقاتی است که به منظور رفاه نوع بشر و بروز و تحقق اراده جمعی برای خدمات همگانی تأسیس می گردد. این ملحقات شامل مراکز آموزشی، علمی، فرهنگی و اقدامات عام المنفعه، مظهر آرمان های پیشرفت اجتماعی و تعالی معنوی با استفاده از علم و دانش بشری است و نشان می دهد که چون علم و دین با هم هماهنگ شوند راه گشای ارتقای مقام انسان و شکوفایی تمدن گردند. همان طور که به خوبی مطلع و به آن عاملید، نیایش و پرستش پروردگار اگرچه ریشه در فطرت بشری داشته و عامل ترقی حیات معنوی است ولی باید منشأ ثمر و اثری در عالم وجود گردد و این جدایی ناپذیری عبادت و خدمت به هم نوع است که مؤسسه مشرق الأذکار آن را تجسم و تحقق می بخشد. در این رابطه به ترجمه فارسی بیانی از حضرت ولی عزیر امرالله توجه فرمایید که می فرماید:

عبادت بهائی هر قدر مفهومش متعالی و انجذابش شدید باشد ولی جدا از اقدامات اجتماعی و بشردوستانه و مساعی آموزشی و علمی متمرکز در ملحقات مشرق الأذکار، هرگز نمی تواند نتایجی برتر از ثمرات ناچیز و غالباً زودگذر حاصله از تأملات زاهد گوشه گیر و یا عبادات عابد بی تحرک داشته باشد. این چنین عبادتی نمی تواند به نفس عبادت کننده رضایت و نفعی پایدار ببخشد تا چه رسد به عامه نوع بشر مگر آنکه در خدمت مجدّانه و

خالصانه به عالم انسانی حلول و تجسد یابد، خدمتی که ترویج آن اعظم موهبت ملحقات مشرق‌الذکار است.

حضرت بهاء‌الله و حضرت ربّ اعلی، دو مظهر ظهور الهی در این عصر نورانی در باره دعا و مناجات چنین آموزش می‌دهند: دعا و مناجات گفتگویی است مستقیم و بدون واسطه بین روح بشر و خالق او؛ به منزله غذای روح است و باعث تداوم حیات روحانی؛ هم‌چون شبنم صبحگاهی موجب طراوت و لطافت قلوب می‌گردد و روان را از تعلقات نفس اماره پاک و منزّه می‌سازد؛ ناری است که حجابات را می‌سوزاند و نوری است که انسان را به سوی پروردگار می‌کشاند؛ موجد قوتی است روحانی که پرنده روح را با بال و پر خود در فضای نامتناهی الهی به پرواز در آورده به قربیت درگاه احدیت فائز می‌نماید. آنچه موجب پرورش قابلیت‌های نامحدود روح و سبب جلب تأییدات الهی می‌گردد کیفیت نیایش است و تطویل آن محبوب نبوده و نیست. قدرت نهفته در دعا و مناجات وقتی ظاهر می‌شود که انگیزه اصلی آن محبت الله باشد؛ از ترس، توقع، تظاهر و خرافات به دور بوده با صداقت و پاکی دل تلاوت شود تا موجب تعمق و تأمل و سرانجام شکوفایی عقل و خرد انسانی گردد. چنین نیایش بی‌آلایشی از محدوده حروف و کلمات بگذرد و از اصوات و نغمات فراتر رود؛ حلاوت نغمه و آهنگش شادی آفریند، قلوب را به اهتزاز آرد، بر نفوذ کلمات بیفزاید، تمایلات دنیوی را به صفاتی ملکوتی تبدیل نماید و محرک خدمات خالصانه به عالم انسانی گردد.

پس جای تعجب نیست که اعضای جامعه‌ای چون جامعه اسم اعظم در آن سرزمین مقدس که از اوان کودکی با تلاوت مناجات "پروردگارا قلب صافی چون دُرّ عطا فرما" پرورش یافته‌اند قادرند در مسیر زندگانی روزمره خود هر نوع سختی و مشقتی را تحمل کنند و اجازه ندهند که غبار تنفر و کینه و یا حس انتقام قلوب‌شان را آلوده سازد، مبادا که آن دُرّ درخشان تالو و درخشندگی خود را از دست دهد. دعا و مناجات نهایتاً باید در یک زندگی هدف‌مند و در اعمال و رفتار روزانه جلوه‌گر باشد.

دعوت این مشتاقان از بهائیان آن است که مساعی جامعه‌سازی را که با پشت‌کار به آن مشغولند به منزله الگوی جدیدی از نحوه اجتماع نوع انسان مشاهده نمایند. این الگوی اجتماع در تمامیت خود، قابلیت خدمت در ابعاد مختلف را افزایش می‌دهد: قابلیت آموزش نسل جوان، قابلیت توان‌دهی به نوجوانان، قابلیت تعلیم و تربیت روحانی کودکان، قابلیت تشویق دیگران به خدمت با مدد نفوذ کلمه الله و بالاخره قابلیت پیشرفت اجتماعی و اقتصادی یک جمعیت و یک ملت در پرتو تعالیم الهی. از جمله اجزای اساسی این الگو جلسات دعا و مناجات می‌باشد که جنبه‌ای جمعی از حیات روحانی و ابعادی از

مفهوم مشرق‌الاذکار است. تشکیل این جلسات فرصت گران‌بهایی برای شما عزیزان فراهم می‌سازد تا نه تنها به نیایش و ستایش پروردگاریکتا پرداخته عنایات او را در زندگی خود سائل شوید بلکه قوای روحانی نهفته در دعا و مناجات را با دیگر شهروندان شریف آن آب و خاک نیز در میان گذارید، پاکی و اصالت نیایش را به آنان بازگردانید، موجب افزایش ایمان و اطمینان به تأییدات الهی در قلوب هم‌وطنان عزیزتان شوید، انگیزه خدمت به اجتماع، به وطن و به نوع بشر را در خود و در آنان قوی‌تر سازید و مشوق استقامت سازنده در راه عدالت و انصاف گردید.

دوستان عزیز و محبوب، جلسات دعا و مناجات در آن سرزمین مقدس، در هر شهر، در هر محله، و در هر ده و قصبه، و دسترسی بیشتر دوستان و آشنایان به مناجات‌های بهائی، شما عزیزان را قادر می‌سازد تا بیش از پیش با برادران و خواهران روحانی خود در سراسر عالم در انتشار نور اتحاد سهیم باشید. پس بدین سان و تا سر حد امکان بکوشید و بذره‌های مشارق اذکار آینده و ملحقات عام المنفعه‌اش را بیافشاند و هزاران هزار شمع نورانی در مقابل تاریکی ظلم و عدوان برافروزید.

بیت‌العدل، عظیم

